



### نظر هرمنوتیست های فلسفی درباره فرق هرمنوتیک و معناشناسی چیست؟

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: هرمنوتیست های فلسفی معتقدند که هرمنوتیک به تأویل، نظر دارد در حالیکه معنا شناسی با دستور زبان و مباحث نحوی و امثال آن مواجه است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: هرمنوتیست های فلسفی معتقدند که هرمنوتیک به تأویل، نظر دارد در حالیکه معنا شناسی با دستور زبان و مباحث نحوی و امثال آن مواجه است.

به گزارش خبرگزاری مهر، کنفرانس «روش شناسی فهم متن و هرمنوتیک مدرن» در دانشگاه سونان کالیجاکای اندونزی با حضور اساتید برجسته از کشورهای مختلف از جمله ایران و با سخنرانی محمدحسین مختاری ریاست دانشگاه مذاهب اسلامی برگزار شد.

مختاری ریاست دانشگاه مذاهب اسلامی در این کنفرانس سخنرانی خود را با عنوان «نقد و بررسی عناصر اصلی هرمنوتیک فلسفی» به زبان انگلیسی ارائه نمود که متن فارسی آن در اختیار خبرگزاری مهر قرار گرفت.

وی در ابتدای سخنرانی خود با بیان اینکه هرمنوتیست های فلسفی اساساً اعتقاد ندارند که هرمنوتیک، معنا شناسی باشد، چون معناشناسی از لوازم مباحث معرفت شناسی است، گفت: موضع و پایگاه معنا شناسی در اپیستمولوژی است در حالیکه پایگاه هرمنوتیک فلسفی در آنتولوژی و فرق بین این دو آشکار است. از نظر آنها هرمنوتیک به تأویل، نظر دارد در حالیکه معنا شناسی با دستور زبان و مباحث نحوی و امثال آن مواجه است. آنان می گویند وقتی انسان هرمنوت باشد دیگر نیازی به بحث معنا شناسی ندارد چون خود هرمنوت بودن حاکی از معانی وجودی است و احتیاجی نیست که تحلیل منطقی شود.

استاد فلسفه حوزه و دانشگاه ضمن طرح این سوال که مقصود از معنا از نظر هایدگر چیست؟ تصریح کرد: از نظر وی هنگامی که معنای امری یا چیزی بر ما روشن شده باشد ما با آشکارگی آن مواجه گشته ایم. معنا در تفکر هایدگر اگر با مفهوم و تعریف متضاد نباشد مساوق آن نیز نیست. چه آنکه مفهوم امری حصولی است ولی معنای کاملاً حضوری است. معنای یک چیز زمانی بر ما آشکار می شود که در یک نسبت حضوری آن چیز برای ما حاضر باشد.

مختاری ادامه داد: هر چند راههای زیادی برای کشف مفهوم یک چیز وجود دارد مانند رجوع به فرهنگنامه ها و مطالعه و کسب اطلاعات پیرامون، اما هیچیک معنای آن را برای ما آشکار نمی سازد لذا می توان گفت که مفهوم از مکاسب است و معنا از مواهب.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در ادامه به نظر هایدگر و گادامر در این باره پرداخت و بیان داشت: هرمنوتیست های فلسفی از جمله گادامر از سیالیت و تغییر پذیری فهم سخن می گویند و وجود معنای ثابت در فهم متن را انکار می کنند چون تنها راه تحقق فهم را از طریق گفتگو دیالوگ میان افق معنایی متن و افق معنایی مفسر و آمیختگی این دو افق امکان پذیر می دانند و از طرفی افق حاضر را داری ثبات و تعین نیم باشد از این رو به اعتقاد ایشان اصلاً نمی توان به تفسیر و تأویل قطعی گشت.

وی افزود: مفسر محوران اعم از ساختارشکنان و هرمنو تیستهای فلسفی با حذف نیت و قصد متکلم و بی اهمیت جلوه دادن نقش وی در فهم معنای اثر یکی از ارکان کلیدی تفسیر را نادیده گرفتند. زیرا هدف و رسالت مفسر وصول به پیام مؤلف است و نیز تلاش در جهت دست یافتن آگاهی است که در ورای الفاظ جدیدی دست یابد-که این هم به طور جدی جای تامل دارد- باز هم نمی توان اراده و قصد پدید آورنده اثر را که در حقیقت عامل اصلی پیدایی آن است را مورد انکار قرار داد.

مختاری با بیان اینکه اساساً ملاک و مناط تحقیق صحت یا عدم صحت تأویل و تفاسیر یک متن این است، اظهار داشت: اساساً رسالت اصلی مفسر باز سازی قصد و منطق مؤلف است که سرانجام به معیار و ملاکی در باب تأویل و تفسیر منجر میگردد و آن باز شناسی قصد بنیادین و گوهری مؤلف است. اگر قرار باشد در تفسیر متن نقش مؤلف نادیده گرفته شود و معنای متن تابع فهم مفسر باشد پس فلسفه آفرینش زبان و نیز چینش واژگان توسط پدید آورنده متن چیست؟ آیا در این صورت که معنا بسته به اراده و فهم مفسر باشد و او به دلخواه هر معنایی را بر متن تحمیل کند، باب گفتگو و

استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: این در حالیست که خداوند برای ایجاد ارتباط زبان را به بشر ارزانی داشته تا با به کارگیری آن زمینه برقراری ارتباط با دیگران را فراهم کند و به تعبیری زبان یکی از توانایی ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است و بیان و گفتار نمود خارجی این توانایی است.

وی با اشاره به اینکه به تعبیر دیگر فطرت اجتماعی آدمی برای بیان مقصود خویش او را به سمت به کارگیری زبان و تکلم هدایت نموده تا گامی به سوی رفع نیازهایش گردد، بیان داشت: بدیهی است مفهومی که الفاظ به واسطه وضع بر آن دلالت می کند و متکلم آن را برای انتقال منویات و مقاصد خویش در قالب جمله به کار می برد را معنا می گویند و معنا در کل تصویری در نظر گرفته می شود که از مصادیق جهان خارج در قالب واژه ها پدید می آید.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود اشاره کرد: تفکرات جنجال برانگیز در فلسفه جدید نظیر اندیشه های دریدا و هرمنوتیست های فلسفی، تفکر مبتنی بر عدم تعین با عدم قطعیت در اثر است. این دیدگاه دست یافتن به هر گونه تفسیر درست با غلط از متن را امکان پذیر نمی داند. نظریه پردازان متعددی به ردّ این تفکر مبادرت ورزیده اند. هرش از جمله اینهاست.

وی ادامه داد: اساساً معناداری متن منوط به قصد مؤلف یا فهم خواننده است. و اصلاً حقیقت یا قوام معنای متن وابسته به نیت مؤلف است. جدای از آگاهی و نیت انسانها چیزی به عنوان سرزمین جادویی معانی وجود ندارد. هرگاه معنا رابطه و نسبتی با واژگان پدید آید شخصی این ارتباط و پیوستگی را برقرار کرده است. از سوی دیگر باید بپذیریم که عدم تعین خود ناگزیر از تعین است حتی آنجا که ما در برخورد با یک اثر اعلام می داریم که معنای اثر بین چند معنای متعین معلق است. در این حالت هم عملاً میدان عدم تعین را به حد احتمالات متعین فوق محدود و منحصر کرده ایم به عبارتی دیگر به تعین دیگر دست یافته ایم.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد: اساساً عدم توجه به قصد مؤلف و تمرکز بر محوریت مفسّر در فهم معنای اثر منجر به نسبیت گرایی می گردد، در حالی که نسبیت در معارف بشری راه ندارد.